

فصل اول

**مبانی هنرهای تجسمی
و سواد بصری**

مبانی هنرهای تجسمی شامل

- مبانی به معنی پایه، اساس و اصول است.
 - هنر، به معنی آنچه که هنرمند از جهان پیرامونش برداشت کرده و با تخیل و احساس خود به نوعی زیباشناسانه به مخاطب می کند.
 - تجسمی، هنرهایی که قابلیت شکل‌پذیری و تجسم دارند را هنرهای تجسمی می‌گویند. مانند گرافیک، عکاسی، معماری، صنایع دستی، نگارگری و مجسمه‌سازی و ...
- در مبانی هنرهای تجسمی با دو عوامل بصری و نیروهای بصری مواجه هستیم.
- عوامل بصری (الفبای تجسمی):** نقطه، خط، سطح، حجم، شکل، تیرگی و روشنی و بافت.
- نیروهای بصری (دستور زبان تجسمی):** ریتم، کنتراست (تضاد یا تباین)، تعادل، ترکیب‌بندی، تناسب، تقارن، توازن، حرکت و ...
- نکته:** عوامل بصری تقریباً ثابت هستند و نیروهای بصری نیاز به تجربه و تمرین هنرمند دارد.

□ تعریف جامع مبانی هنرهای تجسمی

هر رشته تحصیلی، برای درک درست و انتقال صحیح نیازمند یکسری الفبا و عناصر شناخته شده و قاعده‌مندی است. منظور از مبانی هنرهای تجسمی نیز، آشنایی با قواعد، عوامل و عناصر تشکیل دهنده در خلق یک اثر می‌باشد و در واقع مبانی هنرهای تجسمی، شباهت زیادی با قواعد دستور زبان دارد که با بکارگیری آن می‌توان، به نتیجه بهتر و درست‌تری در خلق یک اثر هنری رسید.

به عبارتی مبانی هنرهای تجسمی، یعنی آشنایی با اصولی که هنرمند با تسلط بر آنها ضمن درک روشن‌تر کار خود، می‌تواند در انتقال پیام و تأثیر بر مخاطب موفق باشد. این تأثیر پیام و بستگی به جهان‌بینی هنرمند دارد و در واقع انعکاس زمینه ایدئولوژی، موقعیت اجتماعی، روانشناختی و درک زیباشناختی او می‌باشد.

در مبانی هنرهای تجسمی بیشتر با شناختی زیبا هنرمند مواجه هستیم.

سواد بصری: دانستن الفبای تجسمی و دستور زبان تجسمی در ارتباطات تصویری و در رشته‌های هنرهای تجسمی.



□ هنر و انواع آن

نظریات مختلف هنر

نظریه صورت معنادار، نظریه نهادی هنر، نظریه ایدئالیستی، تعریف اندیشمندان، تعریف فرهنگ‌نامه سخن. نظریه صورت معنادار هنر: هنر، مجموعه آثاری است که دارای نسبت معین میان اجزای خود هستند که براساس آن در میان منتقدان حساس، احساس زیبایی شناسانه را بر می‌انگیزاند. نظریه نهادی هنر: مجموعه آثاری انسان ساخت است که از جانب اهالی هنر، شأن هنری یافته‌اند (نهاد: فطرت، درون، اساس، پایه) نظریه ایدئالیستی هنر: مجموعه ایده‌ها یا احساسات ذهن هنرمند است که به صورت تعدیل شده به افراد دیگر منتقل می‌شود.

◆ تعریف اندیشمندان از هنر:

کانت: عنوان هنر را باید به چیزهایی اعطا نمود که با آزادی همراه باشد. تولستوی: هنر وسیله کسب لذت نیست، بلکه وسیله ارتباط با انسانها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است. کروچه: هنر نوعی شهود خدا است، در ظهور جمال. (هنر بیشتر حس عرفانی است که به خداوند بر می‌گردد). شیلر: هنر دعوتی است به سوی سعادت. تعریف فرهنگ‌نامه سخن: هنر، هر نوع فعالیت غیر معطوف به سود مادی و برداشتهای شخصی از محیط و طبیعت با استفاده از نیروهای تخیل و قواعد زیبا شناختی است.

◆ انواع هنرها

هنرها را به انواع و دسته‌های مختلف تقسیم می‌کنند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هنرهای مکانی (هنرهای تجسمی)

۲. هنرهای زمانی (هنرهای آوایی)

۳. هنرهای زمانی - مکانی

هنرهای که اصطلاحاً زیبا خوانده می‌شوند: دارای نظم و تناسب مخصوص به خود هستند، این تناسب در هنرهای مکانی مثل: مجسمه‌سازی (پیکره سازی)، گرافیک و ... "قرینه" و در هنرهای زمانی مثل موسیقی، شعر، سخنوری و داستان سرایی، "وزن" نام دارد.



هنرهای مکانی: هنرهایی هستند که در ظرف مکان واقع می‌شوند و فارغ از زمان هستند. نظم و ترتیب ارائه زمانی، در آنها نقش چندانی ندارد. مانند: هنرهای تجسمی که از عناصر بصری اولیه تشکیل شده‌اند و قابلیت شکل‌پذیری و تجسم دارند. (نقاشی و معماری و مجسمه‌سازی و ...) **هنرهای زمانی:** هنرهایی هستند که بر بستر زمان می‌گذرند و هر جزئی از آنها متکی بر لحظه‌ای گذرا و بدون بازگشت است. لذا درک آنها مستلزم مقدار معینی از زمان است. مثل: هنرهای آوایی (موسیقی، شعر و سخنوری)

هنرهای مکانی - زمانی: هنرهایی که ارائه زمان و مکان در اجرای آنها نقش مهمی دارد. مانند: نمایش، رقص (حرکات موزون) و سینما.

♦ انواع دیگر هنر

(**هنرهای کاربردی یا صنایع مستظرفه**): به عنوان حرفه محسوب می‌شود و سهم زیادی از این هنرها را مسائل فنی در بر می‌گیرد مانند: گرافیک، طراحی، صنعتی، معماری، سینما، طراحی پارچه و عکاسی، منبت کاری، معرق کاری، طراحی فرش، صنایع دستی و ...

هنرهای تعهدی: اندیشه و تفکر بخش مهمی از خصوصیت این هنر است که به آنها هنر محض می‌گویند و اساس و پایه این هنر، همان اندیشه، افکار و جهان‌بینی هنرمند است. مثل: تئاتر. **درآمدی بر درک تجسمی:** تصاویر از هر نوع که باشند، ذهن را بر خود فرا می‌خوانند و واکنش را در چشم و ذهن انسان بر می‌انگیزاند و به نوعی با چشم ارتباط برقرار می‌کنند. البته این ارتباط بصری از این هم فراتر است و هر نوع شکل، محتوا و موضوع اطلاعات مختلفی را انتقال می‌دهد. پیامهایی که در موقعیت‌های متفاوت، از مقابل چشم می‌گذرند، را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. ارتباط اتفاقی

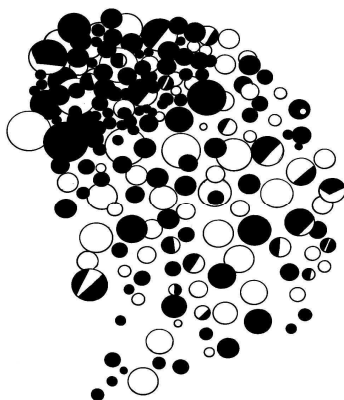
۲. ارتباط عمدی

برای روشن شدن موضوع می‌توان تصور کرد که توده‌های سفید رنگ ابر در آسمان که هیچ نشانی از باران در خود ندارد را می‌توان به عنوان **ارتباط بصری اتفاقی** در نظر گرفت. در حالی که توده‌های دودی ابر مانند کوچکی که زمانی سرخ بوستان به منظور ایجاد ارتباط بین خودشان استفاده می‌کردند، نمونه‌ای از **ارتباط عمدی** است.

عناصر بصری

نقطه تجسمی

۱. ساده‌ترین، تجزیه ناپذیرترین و اولین عنصر بصری است.



۲. ماهیتی نسبی دارد، یعنی: نسبت به کادر و فضای پیرامونش تعریف می‌شود.

۳. نقطه ساکن است و حرکت ندارد.

۴. آغاز پایان یک اثر هنری است.

۵. نقطه گویای مکان است.

۶. نقطه موجودی واقعی و حقیقی است. یعنی: دارای طول، عرض، ارتفاع، عمق است.

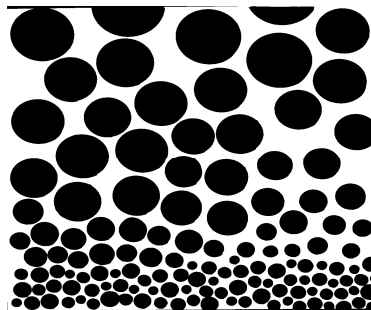
۷. نقطه، گویای زمان حال است، گذشته ندارد و آینده آن مبهم است.

۸. نقطه، بیانگر شک و تردید است.



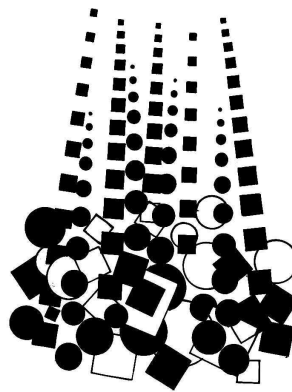
▣ کاربردهای مختلف نقطه

۱. نقش مایه: در طراحی پارچه، کاغذ دیواری و کاغذ کادو...
۲. در ایجاد تمرکز، پراکندگی، حرکت و تأکید نقش دارد. به عنوان مثال: از تداوم و تکرار نقاط، حرکت بوجود می‌آید.



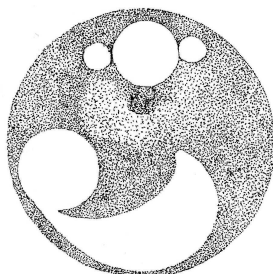
ایجاد لرزش با استفاده از نقطه

۳. سبک پوانتیسم (pointism) نقطه گذاری یا ترام



ایجاد ریزش نقاط غیر یکسان

۴. ایجاد تاریکی - روشنی، حجم



ایجاد تاریکی - روشنی با نقطه و سطح

تمرکز:

اگر در گوشه‌ای از کادر، نقطه‌ها را طوری بچینیم که کم کم به نقطه بزرگتر نزدیک شود، ایجاد تمرکز کرده‌ایم.



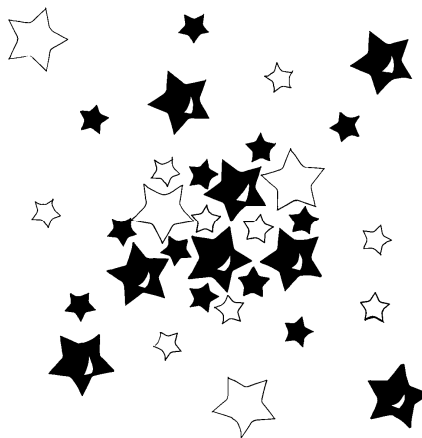
ایجاد تمرکز با استفاده از نقاط غیریکسان

پراکندگی:

اگر نقطه‌هایی را به طرف خطوط کناری کادر، طوری رسم کنیم که پراکنده و با فاصله باشد احساس پراکندگی بوجود می‌آید.



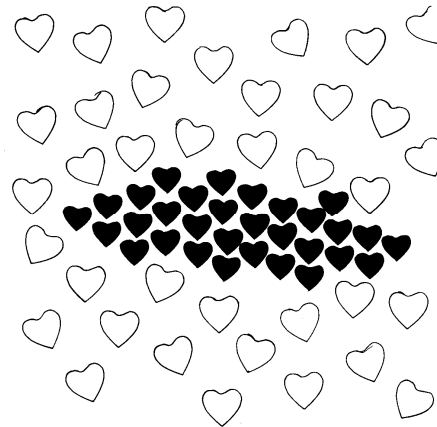
تجمع و پراکندگی با استفاده از نقاط



تجمع و پراکندگی با استفاده از نقطه تیره و روشن

تأکید:

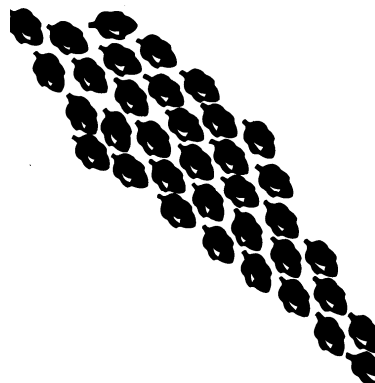
اگر در میان نقاط مشابه یک نقطه را متفاوت طراحی کنیم، احساس تأکید را در بیننده بوجود آورده‌ایم.



ایجاد تأکید با استفاده از نقطه

حرکت بصری:

اگر در چیدمان و حرکت طوری عمل کنیم که آنها در راستای هم و بصورت مارپیچ قرار دهیم و ترتیب آنها طوری باشد که از دایره کوچک به بزرگ برسیم، ایجاد نوعی حرکت بصری کرده‌ایم.

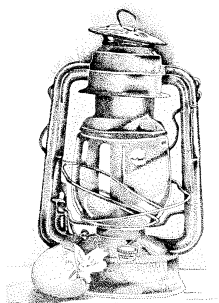


ایجاد حرکت با استفاده از نقاط یکسان



سبک پوانتیسیم:

Pointism به معنی نقطه گذاری می باشد و در صنعت ترام به کار می رود که در عکاسی خیلی کاربرد دارد. با کمک نقاط بزرگ و کوچک و زیاد و کم کردن فاصله نقاط می توان تیرگی، روشنی تصویر را نشان داد. بنیانگذار سبک پوانتیسیم (نقطه گذاری)، سینیاک و سورا بودند.



ایجاد تراکم با استفاده از نقطه (سبک پوانتیسیم)

ایجاد تاریکی - روشنی، حجم

حالت خاکستریهای متنوع است که احساس حجم و عمق و برجستگی را در بیننده به وجود می آورد.



ایجاد طرح با استفاده از تیرگی - روشنی نقاط (ترام نقاط)

عناصر آفریده شده از نقطه:

عناصر آفریده شده اصلی از نقطه، خط است.

ایجاد خط با کمک نقطه:

هنگامی که نیروی درونی نقطه، از درون بر مرزهای بیرونی اش و تنها در یک سو ضربه وارد می سازد نقطه از موضع ساکن خود به شدت و ناگهان کنده می شود و در مسیر برداری جهت ضربه